

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

#### درس دهم – مصاحبه با شاه لودویگ

فیلیپ با بازیگر نقش شاه لودویگ آشنا می‌شود و از او تقاضای مصاحبه می‌کند. ناگهان صدای او به نظرش آشنا می‌آید. از طرف دیگر، در دفتر هیئت تحریریه هم مهمان غیرمنتظره‌ای حضور می‌یابد.

فیلیپ در قصر "نوی‌شوان‌شتاین" بدون کمک پاولا، پاسخ این سؤال را که بالاخره چه کسی خود را به عنوان شاه لودویگ معرفی کرده‌است، پیدا می‌کند: او همان بازیگری است که در نمایش موزیکال، نقش شاه لودویگ را اجرا می‌کند. فیلیپ از فرصت استفاده نموده، از او تقاضای مصاحبه می‌کند. فیلیپ هنگام بازگشت به رادیو "D" از حضور مهمان غیرعادی‌ای که آنجاست تعجب می‌کند. او در دفتر تحریریه با یک جغد سخن‌گو مواجه می‌شود.

در این درس موارد غیرمترقبه زیادی برای فیلیپ پیش می‌آید. او چندین بار جملات "من این را باور نمی‌کنم" (Das glaube ich nicht) و "من این را نمی‌دانم" (Das weiß ich nicht) را تکرار می‌کند. در اینجا به حرف نفی "nicht" می‌پردازیم.

#### Manuskript der Folge

آنچه می‌شنوید برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D است. این برنامه محصول کار مشترک انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله است برنامه‌ای از هراد مزه

##### مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن دهمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می‌کنم. در برنامه قبل دیدیم که فیلیپ یعنی خبرنگار رادیو D همراه با گروهی از گردشگران در بزرگراهی در ترافیک گیر کرده است. فیلیپ به دیدن نمایش موزیکالی می‌رود که درباره زندگی و مرگ پادشاه لودویگ دوم است. هر ترافیکی هم بالاخره پایانی دارد و این چنین است که اتوبوس عاقبت به محل برگزاری این نمایش موزیکال می‌رسد. فیلیپ به محض رسیدن به مقصد مستقیم به رستورانی می‌رود که متعلق به سالن تئاتر است. و فیلیپ آنجا شخصی را می‌بیند که می‌شناسد.

**Paula**

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

**Philipp**

Willkommen ...

**Paula**

... bei Radio D.

**Philipp**

Radio D ...

**Paula**

... die Reportage

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**مجری:**  
بشنوید که فیلیپ در رستوران متوجه چه چیزی می‌شود و از آن مرد چه تقاضایی می‌کند؟

#### **Szene 1: Im Restaurant**

**Philipp**

Ach, ich habe Hunger, einen Riesenhunger.

**Stimme vom Nachbartisch**

Das Musical ist wirklich wunderbar.

**Schauspieler**

Ja klar, **ich** spiele ja König Ludwig.

**Philipp**

Nein, das glaube ich nicht.  
Die Stimme, natürlich;  
ich kenne die Stimme. Das ist doch ...

Entschuldigung, ich bin Redakteur bei Radio D, bekomme ich ein Interview?

**Schauspieler**

Na, gut.

**Philipp**

Danke.  
Erstmal: Grüß Gott, König Ludwig.

**Schauspieler**

Majestät, bitte.

**Philipp**

Grüß Gott, Majestät.  
Guten Appetit, Majestät.

**Schauspieler**

Ach, bitte:  
Ich bin nicht König Ludwig.  
Ich bin nicht Ihre Majestät.  
Ich bin Schauspieler.

**Philipp**

Ich weiß, Majestät.  
Prost!

**مجری:**  
فیلیپ به آن مرد می‌گوید که خبرنگار رادیو D است و از او تقاضای یک مصاحبه می‌کند.

**Philipp**

Entschuldigung, ich bin Redakteur bei Radio D, bekomme ich ein Interview?

### **Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**مجری:**

فیلیپ وارد رستوران می‌شود، اشتهای فراوانی برای غذا دارد و باید گفت که به شدت احساس گرسنگی می‌کند.

**Philipp**

Ach, ich habe Hunger, einen Riesenhunger.

**مجری:**

فیلیپ در رستوران سخنان مردی را می‌شنود که پشت میز کناری او نشسته است و مدعی است که چون او نقش پادشاه لودویگ را ایفا می‌کند، اجرای این نمایش موزیکال عالی از کار درآمده است. بهر روی این گفته مرد تا حدودی خودپسندانه است، این‌طور نیست؟

**Schauspieler**

Ja klar, ich spiele ja König Ludwig.

**مجری:**

حال فیلیپ متوجه می‌شود مردی را که در قصر دیده است، بازیگری بوده که نقش پادشاه لودویگ را ایفا می‌کند. اما فیلیپ برخلاف پاولا نه تنها از بابت متوجه شدن این موضوع عصبانی نمی‌شود، بلکه بازی با این بازیگر را ادامه می‌دهد. فیلیپ این بازیگر را پادشاه لودویگ خطاب می‌کند. اما بازیگر مایل است که اعلیحضرت خطاب شود. اما او در نهایت اعتراف می‌کند که هنرپیشه و بازیگر است، نه پادشاه لودویگ است و نه اعلیحضرت.

**Schauspieler**

Ach, bitte:

Ich bin nicht König Ludwig.

Ich bin nicht Ihre Majestät.

Ich bin Schauspieler.

**مجری:**

و فیلیپ به سلامتی اعلیحضرت می‌نوشد...

**Philipp**

Ich weiß, Majestät.

Prost!

**مجری:**

و حال هم فیلیپ و هم پاولا، هر دو می‌دانند که اصل ماجرای آن دیدار اسرارآمیز در قصر چه بوده است.

**مجری:**

فیلیپ به سرعت عازم دفتر رادیو D، در برلین می‌شود. آنجا مهمانی ناخوانده در انتظار اوست. مهمانی که هیچکس از او دعوت نکرده است. اما شما صدای این مهمان را می‌شناسید. به این صحنه گوش کنید و ببینید که در دفتر رادیو چه می‌گذرد و خبرنگاران چگونه از این مهمان استقبال می‌کنند؟

#### Szene 2: In der Redaktion – Eulalia

**Philipp**

Hallo, Paula.

Stell dir vor, der Mann im Schloss ...

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**Eulalia**

... ist Schauspieler.

**Philipp**

Wie bitte? Wer ist das denn?

**Paula**

Eine Eule. Das siehst du doch!

**Philipp**

Und was macht die Eule hier?

**Paula**

Das weiß ich nicht.

**Philipp**

Sag mal, wo bin ich hier?

Bin ich bei Radio D oder im Zoo?

**Ayhan**

Hallo, was machst du hier?

Wie heißt du?

**Eulalia**

Eule.

**Ayhan**

Du bist eine Eule, okay,

aber wie heißt du?

**Eulalia**

TsssTsssTsss Tsss

**Ayhan**

Na gut: Du heißt ab jetzt .... *Eulalia*, okay?

Und – woher kommst du?

**Eulalia**

Ich sage nur: von König Ludwig.

**پروفیسور:**

حالا ما در دفتر رادیو یک جغد سخنگو هم داریم. اما برآستی این جغد سخنگو از کجا آمده است؟ از سوی پادشاه لودویگ... اما پادشاه لودویگ عاشق قوها بود و تا کنون هیچکس از علاقه وی به جغدها چیزی نگفته است.

**مجری:**

بهرروی این جغد می‌بایست در قصر بوده و آنگاه بی آنکه کسی متوجه شود پرواز کنان پاولا را تا دفتر رادیو دنبال کرده است. اما خبرنگاران رادیو D در برابر این مهمان ناخوانده از خود چه واکنشی نشان داده‌اند؟ یکبار دیگر با دقت به این صحنه گوش می‌کنیم.

به محض آنکه فیلیپ صدای جغد را می‌شنود و می‌بیند که این جغد از این سوی اتاق به آن سوی اتاق در پرواز است، بی‌درنگ می‌پرسد که این دیگر چیست؟ اما پاولا که خودش هم گیج و مبهوت است گستاخانه جواب می‌دهد: "یک جغد. این را که خودت هم می‌توانی ببینی."

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**Philipp**

Wie bitte? Wer ist das denn?

**Paula**

Eine Eule. Das siehst du doch!

**مجری:**

و پاسخ گستاخانه نیز عملا واکنشی مشابه برمی‌انگیزد. این چنین است که فیلیپ نیز عصبانی شده و می‌پرسد که اینجا کجاست، دفتر رادیو D است یا باغ وحش.

**Philipp**

Sag mal, wo bin ich hier?

Bin ich bei Radio D oder im Zoo?

**مجری:**

برخورد و واکنش آیهان برخلاف پاولا و فیلیپ است. نه حضور این جغد در دفتر رادیو D و نه سخنگو بودن این جغد، هیچ یک آرامش او را برهم نمی‌زنند. و شاید هم این طور وانمود می‌کند. بهر حال آیهان از جغد می‌پرسد که در دفتر رادیو چه می‌کند. ولی با سکوت جغد روبرو می‌شود. و آنگاه از جغد می‌پرسد که اسمش چیست.

**Ayhan**

Hallo, was machst du hier?

Wie heißt du?

**Eulalia**

Eule.

**Ayhan**

Du bist eine Eule, okay,  
aber wie heißt du?

**مجری:**

و اما از آنجا که این جغد نامی ندارد، آیهان نام خیالی **EULALIA** را برای او پیدا می‌کند، چون که این نام برای آیهان زیباست. و همچنین خیلی به کلمه آلمانی **EULE** یعنی جغد شباهت دارد.

**Ayhan**

Na gut: Du heißt ab jetzt .... *Eulalia*, okay?

**مجری:**

هر سه خبرنگار رادیو D در برابر این جغد از خود واکنشی متفاوت نشان دادند: فیلیپ به خاطر حضور این جغد تا حدودی عصبی شده، حال آنکه این موضوع باعث سرگرمی و لذت آیهان شده است. اما واکنش پاولا چیست؟ او آشکارا رفتاری محتاطانه در پیش گرفته است. آیا او حدس می‌زند که اوایلایا از این پس نزد آنان خواهد ماند؟

غروب است و ساعت کار یوزفین شروع شده است. او برای نظافت به دفتر رادیو آمده است. شما قطعاً می‌توانید تصور کنید که دیدن این جغد در دفتر رادیو تا چه حد باعث تعجب و حیرت یوزفین می‌شود. یکبار دیگر به این صحنه گوش کنید. برآستی به نظر شما علت عذرخواهی یوزفین چیست؟

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

#### Szene 3: In der Redaktion

**Josefine**

Hilfe, wer ist das denn?

**Compu**

Eulalia.

**Josefine**

Was macht die Eule hier?

**Compu**

Sie **ist** einfach hier.

**Josefine**

Bin ich bei Radio D oder im Zoo?

**Eulalia**

Störe ich?

**Josefine**

O, Entschuldigung, du verstehst alles?

**Eulalia**

Ich bin klug und weise.

**Josefine**

Und ich bin Josefine.

**مجری:**

پس از آنکه یوزفین متوجه می‌شود که اوایلیا نه تنها جغدی سخنگوست، بلکه حتی آشکارا قادر به فهم همه چیز است، عذرخواهی می‌کند.

**Josefine**

O, Entschuldigung, du verstehst alles?

**مجری:**

در واقع، یوزفین از این پرسش اوایلیا که گفت آیا مزاحم کار اوست، متوجه می‌شود که این جغد قادر به فهم همه چیز است.

**Eulalia**

Störe ich?

**مجری:**

و اوایلیا از فرصت استفاده کرده و می‌گوید که او جغدی باهوش و داناست.

**Eulalia**

Ich bin klug und weise.

**مجری:**

آیا این سرآغاز خوبی برای یک دوستی گرم و پایدار است؟ خواهیم دید، حل بهتر است که ببینیم پرفسور امروز چه چیز تازه‌ای برای گفتن دارد.

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**Paula**

Und nun kommt – unser Professor.

**Ayhan**

Radio D ...

**Paula**

... Gespräch über Sprache.

**پروفیسور:**

با اینکه جغد در فرهنگ آلمانی سنبل خردمندی و دانایی ست، اما حضور یک جغد سخنگو در دفتر رادیو، به واقع چیزی است که آدمی را مات و مبهوت می‌کند. و به این دلیل است که پاولا نمی‌تواند به پرسش فیلیپ پاسخ دهد. بار دیگر گوش کنید که پاولا پرسش فیلیپ را چگونه پاسخ می‌گوید.

**Philipp**

Und was macht die Eule hier?

**Paula**

Das weiß ich nicht.

**مجری:**

موضوع درس امروز کلمه نفی NICHT است که فعل را منفی می‌کند.

**پروفیسور:**

دقیقا. خواهش می‌کنم به جایگاه کلمه NICHT در جمله توجه کنید. در زبان آلمانی این کلمه بعد از فعل می‌آید، مثلا:

„Das weiß ich nicht.“ یعنی „من این را نمی‌دانم.“

**Sprecherin**

Das weiß ich nicht.

**پروفیسور:**

و به محض آنکه فیلیپ صدای بازیگر تئاتر را می‌شنود، با ناباوری می‌گوید: „Nein, das glaube ich nicht.“ یعنی „نه، من این را باور نمی‌کنم.“ بنابراین کلمه نفی NICHT همواره بعد از فعل می‌آید.

**Philipp**

Nein, das glaube ich nicht.

**مجری:**

خوب آموختیم که NICHT همواره بعد از فعل می‌آید اما لزوما همیشه آخر جمله نمی‌آید.

**پروفیسور:**

کسی هم چنین ادعای نکرد. در جمله گاهی ما مکملهایی داریم که بعد از کلمه NICHT می‌آیند. به این دو مثال توجه کنید.

**Sprecherin**

Philipp ist nicht da.

**Sprecher**

Ich bin nicht König Ludwig.

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

## Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

### Radio D – Teil 1

**مجری:**

و در این رابطه آیا قاعده‌ای هم وجود دارد؟

**پروفسور:**

بله، ولی من الان تصمیم ندارم وارد جزئیات موضوع بشوم و در برنامه امروز تنها به گفتن این موضوع بسنده می‌کنم که مکملهای مفعولی بی‌واسطه در زبان آلمانی از قبیل DAS یا STIMME همواره پیش از کلمه نفی NICHT می‌آیند.

**Sprecherin**

Das weiß ich nicht.

**Sprecher**

Ich kenne die Stimme nicht.

**مجری:**

با سپاس فراوان از شما آقای پروفسور. در برنامه بعد خواهیم دید که یوزفین خود را اندکی به اوایلایا نزدیک می‌کند و شما هم می‌توانید بیشتر با معنی نام این جغد آشنا شوید.

**Paula**

Liebe Hörerinnen und Hörer, bis zum nächsten Mal.

آنچه شنیدید برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D بود که توسط انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله تهیه شده است.

**Ayhan**

Und tschüs.

*Herrad Meese*

**Ihr Deutsch ist unser Auftrag!**

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle